مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال شانزدهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شمارهٔ پیاپی ۳۰

DOI: 10.22067/geography.v16i1.66516

چالش‌های پیش‌روی توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در شهرستان شبستر[1]

عیسی بهاری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)
i.bahari2000@gmail.com
سیّد هدایت‌الله نوری (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسندهٔ مسئول)
hedayat.nouri@gmail.com
احمد تقدیسی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)
a.taghdisi@Geo.ui.ac.ir
حسین کریم‌زاده (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
karimzadeh10@gmail.com

صص ۲۵۵ ـ ۲۲۳

چکیده

اهداف: بخش کشاورزی در ایران طی دهه‌های گذشته همواره با چالش‌های جدی مواجه بوده است. ایجاد و توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی می‌تواند راهکاری مناسب برای جلوگیری از ضایعات و افزایش ارزش‌افزودهٔ محصولات کشاورزی باشد. در این راستا شناسایی چالش‌های پیش‌روی این صنعت می‌تواند به تسهیل و توسعهٔ آن کمک کند. شهرستان شبستر در استان آذربایجان‌شرقی، یکی از قطب‌های کشاورزی ایران است که در چند سال اخیر با چالش‌هایی در حوزهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی مواجه شده است. هدف این مقاله شناسایی و تبیین چالش‌های پیش‌روی توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در شهرستان شبستر است.

روش: تحقیق از نوع کیفی است و از روش گراندد تئوری به‌عنوان راهنمای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و ارائهٔ مدل استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های عمیق با ۴۳ نفر از کارشناسان و خبرگان

---

۱. این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی با عنوان «برنامه‌ریزی توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی (مطالعهٔ موردی: شهرستان شبستر)» است که نویسندهٔ اول با راهنمایی نویسندهٔ دوم و نویسندهٔ سوم و با مشاورهٔ نویسندهٔ چهارم در دانشکدهٔ علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی دانشگاه اصفهان آن را تدوین کرده است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۴/۰۵

نظری (اساتید دانشگاه) و تجربی (سازمان جهاد کشاورزی، سازمان صنعت، معدن و تجارت و شرکت شهرک‌های صنعتی استان آذربایجان‌شرقی)، مدیران واحدهای تولیدی و کارآفرینان و کشاورزان نمونهٔ شهرستان شبستر به صورت هدفمند و با روش گلولهٔ برفی در قالب گروه‌های متمرکز کانونی انجام گرفت. داده‌های گردآوری‌شده در قالب ۸۸ مفهوم، ۷ مقولهٔ عمده و یک مقولهٔ هسته‌ای کدگذاری و تحلیل شدند.

یافته‌ها/ نتایج: نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد، صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر با مشکلات متعدد از جمله مشکلات مرتبط با قوانین و مقررات، زیرساخت‌ها و فناوری، نهادی-اداری، اقتصادی- مالی، آموزش و نیروی انسانی، مدیریتی و کارآفرینی و همچنین وضعیت بازار همراه است. در نهایت نظریهٔ زمینه‌ای حاصل از پژوهش بر اساس ماهیت مقوله‌های محوری و روابط نهفته بین آن‌ها در قالب مدل پارادایمی شکل گرفت. همچنین، پیشنهادهایی در جهت رفع موانع و مشکلات این صنایع با تأکید بر شرایط شهرستان ارائه شده است که می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزان و مسئولان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: صنایع تکمیلی و تبدیلی، تئوری بنیانی، بازاریابی، توسعهٔ کشاورزی، شهرستان شبستر

۱. مقدمه

صنایع تبدیلی و تکمیلی به‌عنوان محرک توسعه با برقراری پیوند میان کشاورزی و صنعت، همواره بیش از سایر اشکال صنایع مورد تأکید صاحب‌نظران توسعهٔ کشاورزی بوده است (باتوو[1]، ۲۰۰٦، ص. ٦۳). ظرفیت‌های موجود در بخش‌های کشاورزی و صنعت می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال، افزایش درآمد، اشاعهٔ فناوری، تأمین نیاز کشور به بسیاری از کالاهای اساسی، ایجاد ارزش‌افزودهٔ بیشتر و رونق صادرات غیرنفتی باشد. تحقق این امر نیازمند توجه جدی به صنایع تبدیلی و تکمیلی و حمایت‌های هدفمند از این صنایع است. ارتباط ضعیف صنعت و کشاورزی در ایران، در حالی است که بخش کشاورزی با تولید

1. Batov

حدود ۱۰۰ میلیون تن محصولات کشاورزی در سال نقش مهمی در تأمین ۸۵ درصد نیاز غذایی، یک چهارم اشتغال، حدود ۲۷ درصد صادرات غیرنفتی و بیش از ۹۰ درصد مواد اوّلیه صنایع ایفا می‌کند. بر اساس آمار سازمان خوار و بار کشاورزی[1]، ایران در تولید ۱۵ محصول زراعی و ۲۵ محصول باغی در جهان مقام اول تا دهم را دارد. با وجود ظرفیت‌های عظیم بخش کشاورزی در ایران، متأسفانه ضایعات کشاورزی بنا بر اظهارات کارشناسان مرتبط در حوزهٔ کشاورزی ۳۰ تا ۳۵ درصد (ارزشی معادل ۵ میلیارد دلار در سال) تخمین زده می‌شود که حدود ٦ برابر متوسط جهان و معادل ۲۵ درصد درآمد نفتی کشور است (ایزدی و حیاتی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵). در این خصوص یکی از راهکارهای اساسی، ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی است که با استفاده از منابع محلی الگوی عدم تمرکز صنایع را تقویت بخشیده و به مثابهٔ پلی بین مناطق شهری و روستایی ارتباط برقرار می‌کند. با توجه به نقش اثبات‌شدهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی به‌عنوان یکی از ارکان توسعهٔ کشاورزی و امنیت غذایی، به وضوح می‌توان دریافت که فراهم‌سازی فرصت‌های بیشتر برای کارآفرینان و صاحبان واحدهای تولیدی و نیز توسعهٔ دامنه ارائهٔ خدمات به آن‌ها نقش بی‌بدیل صنایع وابسته به کشاورزی را در حیات بخش کشاورزی بازنمایی می‌کند.

شهرستان شبستر در استان آذربایجان‌شرقی با داشتن شرایط آب و هوایی مناسب و اراضی مستعد، توانمندی بالایی در بخش کشاورزی دارد، به طوری که حدود ٤/٣ درصد تولیدات زراعی (رتبهٔ یک در تولید نخود فرنگی، خیار، کدو، بادمجان، انواع سبزیجات، رتبهٔ سوم تولید گوجه‌فرنگی، رتبهٔ چهارم تولید پیاز، رتبهٔ ششم تولید نخود)، ۷/۵۸ درصد تولیدات باغی(رتبهٔ یک در تولید هلو، آلو قطره، گلابی و به، رتبهٔ دوم تولید آلبالو، گیلاس و بادام، رتبهٔ سوم زردآلو، رتبهٔ پنجم تولید گردو و سیب، رتبهٔ ششم تولید انگور) و ۵/۹۲ درصد تولیدات دامی (رتبهٔ اول تولید تخم‌مرغ استان، رتبهٔ دوم تولید گوشت مرغ و رتبهٔ ششم تولید عسل) استان را به خود اختصاص داده است. وجود مازاد تولید در اغلب محصولات کشاورزی نیز لزوم توجه به صنایع تبدیلی و تکمیلی را در این شهرستان ضروری کرده است. در شهرستان شبستر تاکنون هیچ‌گونه تحقیقی در خصوص صنایع تبدیلی و تکمیلی انجام نگرفته است که بتواند

1. FAO

بسترساز شناسایی و ارائهٔ راه‌حل برای مشکلات مربوط به واحدهای تولیدی باشد، همین امر منجر به بی‌پاسخ ماندن پرسش‌های متعددی در این حیطه شده است. بنابر آن‌چه شرح داده شد می‌توان دریافت که چالش‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی از جمله مسائلی است که سبب کاهش کارآیی و اثربخشی واحدهای تولیدی شهرستان شده و بهره‌برداری بهینه از آن‌ها را با نقصان مواجه کرده است. از این‌رو مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر، تعیین چالش‌های پیش‌روی صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر و نیز تبیین چگونگی تأثیر این چالش‌ها بر یکدیگر است.

با توجه به چند بخشی بودن نظام‌های تأثیرگذار بر توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی و همچنین نقش بی‌بدیل کارآفرینان و بخش خصوصی در دستیابی به اهداف توسعهٔ کشاورزی به طور عام و صنایع تبدیلی و تکمیلی به طور خاص، هدف از انجام این پژوهش آسیب‌شناسی و تبیین چالش‌های پیش‌روی صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی شهرستان شبستر از نظر کارشناسان و صاحب‌نظران صنایع تبدیلی و تکمیلی، کارآفرینان، مدیران واحدهای تولیدی و کشاورزان نمونه و تدوین راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

نتایج بررسی پتانسیل‌های صنایع کشاورزی برای بهبود رشد و تعادل در کشور اندونزی نشان می‌دهد که خدمات صنایع کشاورزی پلی برای تغییرات اقتصادی، تولید اشتغال، حمایت از توسعهٔ نواحی روستایی، جلوگیری از شهری شدن، بهبود درآمد فقرا و تأمین امنیت غذایی است و به کشاورزان خرد برای ادامهٔ حیاتشان کمک می‌کند (فاتاح[1]، ۲۰۰۷). همچنین، صنایع فرآوری کشاورزی در کشور هند موجب افزایش فرصت‌های اشتغال، افزایش سطح درآمد و پایداری معیشت روستاییان در ایالت اوتارپرادش[2] شده و بر چالش‌های فقر و بیکاری غلبه کرده است و در کل باعث توسعهٔ نواحی شده است (مهتا[3]، ۲۰۱۲). از نظر ساندار و

1. Fatah
2. Uttar Pradesh
3. Mehta

سرینیواسان[1]، پیوند ضعیف صنعت و کشاورزی، ضعف مؤسسات تأییدکنندهٔ کیفیت و استانداردسازی و نیز مدیریت ناکارآمد از مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی کشور هند به شمار می‌روند (ساندار و سرینیواسان، ۲۰۰۹). بررسی چالش‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی در کشور نیجریه نیز که در مرحلهٔ گذار توسعه قرار دارد، نشان می‌دهد که با چالش‌های محدودیت دسترسی به سرمایه، سیاست‌های نامناسب دولت و ضعف زیرساخت‌ها مواجه است (انوو و اکینه[2]، ۲۰۰۹). فاسد شدن بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی به دلیل عدم آشنایی کشاورزان با روش‌های تبدیل و فرآوری از چالش‌های دیگر صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی است (موهفلد[3]، ویتزل و وایت‌الوستویج، ۲۰۱۱، ص. ٤٧٨).

نتایج تحقیقات داخلی مرتبط با موضوع نشان می‌دهد که تنگناهای مرتبط با بازار، نیروی کار، مسائل مدیریتی، پیامدهای هدفمندی یارانه‌ها، تحریم‌های اقتصادی، انسجام نداشتن سازمان‌های متولی صنایع کشاورزی، نداشتن برنامه‌ریزی راهبردی (مرادی، آگهی، زرافشانی و پاپ‌زن، ۱۳۹٤)، فقدان هماهنگی بین سازمان‌ها (کلانتری، رهنما و موحدمحمدی، ۱۳۸۹)، عدم حمایت سازمان‌ها و مسئولان (اصغری‌لفمجانی، بدخش و فرهادی، ۱۳۹۱)، نبود برنامه‌ریزی و ضعف مدیریت، جایگاه نامشخص صنایع کوچک و متوسط در کشور، ضعف بازاریابی و بازاررسانی، ضعف در نوآوری و تحقیق (رادفر و تیموری، ۱۳۸۹ و احمدیان، قنبری، اصلانی‌سنگده و عزیزی، ۱۳۹۲)، از چالش‌های فراروی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشور است. همچنین، پایین بودن سهم ایران در بازارهای جهانی فرآورده‌های تبدیلی، کیفیت پایین بسته‌بندی، اطلاع‌رسانی محدود (رحمانی، ۱۳۸۵)، عرضهٔ ناکافی مواد اولیه، کیفیت و قیمت مواد اولیه، فناوری ناکارآمد (اباذری و حسینی یکانی، ۱۳۹۳)، تبلیغات ضعیف و عدم شناخت صحیح از بازار هدف (رحمانی، ۱۳۸۵ و اباذری و حسینی یکانی، ۱۳۹۳) از جمله مشکلات دیگر صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی در ایران است. نتایج برخی پژوهش‌های داخلی مواردی نظیر موانع نهادی، موانع قانونی، گرانی نهاده‌های تولیدی (کلانتری، رهنما و موحدمحمدی، ۱۳۸۹ و احمدیان، قنبری، اصلانی‌سنگده و عزیزی، ۱۳۹۲)، پایین بودن بازده و

1. Sundar & Srinivasan
2. Onu & Ekine
3. Muehlfeld, Weitzel & Witteloostuijn

بهره‌وری نیروی انسانی، مشکل برقراری روابط تجاری با خریداران و سایر رقبا، کیفیت پایین مواد اولیه و انطباق نداشتن آموزش‌های رسمی کارکنان با نیاز واحدهای تبدیلی (فلاحتی، ۱۳۸۹)، مشکلات اعطای تسهیلات بانکی و بی‌ثباتی در اعطای تسهیلات کم‌بهره و بلند مدت (کلانتری، رهنما و موحدمحمدی، ۱۳۸۹؛ فلاحتی، ۱۳۸۹، احمدیان، قنبری، اصلانی‌سنگده و عزیزی، ۱۳۹۲ و بزرگمهر و همکاران، ۱۳۹۲)، عدم تخصیص به موقع اعتبارات، عدم تأمین ارز مورد نیاز، نبود نیروهای متخصص، نرخ بالای تورم و عدم تأمین تجهیزات مورد نیاز (حاتمی‌فرد، ۱۳۹۰)، عدم تأمین سرمایهٔ در گردش به موقع جهت جذب مواد اولیه و بی‌ثباتی در برنامه‌ریزی تولیدی محصولات باغی از سوی کشاورزان (بزرگمهر و همکاران، ۱۳۹۲) را به عنوان مهم‌ترین چالش‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی برشمردند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳. ۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی از نوع پژوهش‌های کیفی و به لحاظ هدف کاربردی- توسعه‌ای است. تحقیق کیفی رهیافتی کل‌گرا و اکتشافی است؛ رهیافتی برای مطالعهٔ جهان اجتماعی که به دنبال توصیف و تحلیل فرهنگ و رفتار انسان‌ها از دیدگاه افراد مطالعه‌شونده است(ویلیامز[1]، ۲۰۰۷، صص. ۷۱-۶۵). این مقاله با استفاده از روش تئوری بنیانی به‌عنوان راهنمای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و ارائهٔ مدل به صورت‌بندی چالش‌های پیش‌روی صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی پرداخته است. به منظور بررسی جامع‌نگر موضوع، جامعهٔ پژوهش را ٤۳ نفر از کارشناسان مطلع کلیدی سازمان‌های مرتبط با موضوع، اساتید دانشگاهی، کارآفرینان و مدیران واحدهای تولیدی شهرستان شبستر و کشاورزان نمونه تشکیل دادند (جدول ۱). نمونه‌های مطالعه‌شده با رویکرد هدفمند و به روش گلولهٔ برفی (کلانتری و لوایی‌آدریانی، ۱۳۹۵، ص. ۳۸) انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق در قالب گروه‌های متمرکز کانونی[2](پاپ‌زن و شیری، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۷) بهره گرفته شد و تا

1. Williams
2. Focus group

نقطهٔ اشباع نظری[1] و زمانی ادامه یافت که برای محقق محرز شد که دیگر، نمونه‌ها اطلاعات جدیدی در محورهای مطرح‌شده ارائه نمی‌دهند و مباحث حالت تکراری به خود گرفته است. متن مصاحبه‌ها به دقت مکتوب شدند و به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید. علاوه بر این مصاحبه‌ها، از اسناد و مدارک دست دوم نیز برای تبیین بهتر نظریه استفاده شد. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها به طور متوسط ٤۵ تا ۷۵ دقیقه بود. مصاحبه با سه سؤال باز «در حال حاضر صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟»، «جهت ایجاد و توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی در شهرستان شبستر چه موانع و مشکلاتی وجود دارد؟» و «چه راه‌حل‌هایی برای برون‌رفت از چالش‌های موجود صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان می‌توان ارائه کرد؟» شروع می‌شد. پس از انجام ۹ جلسه مصاحبه در طول مدت حدود ۱۱ ساعت، اشباع تئوریک به دست آمد. با استفاده از تکنیک‌های کنترل اعضاء از اعتبار داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق مصاحبهٔ عمیق اطمینان حاصل شد.

جدول ۱- نمونه‌های مطالعه‌شده در جامعهٔ آماری پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

جامعهٔ آماری		تعداد نمونه		جامعهٔ آماری	تعداد
کارشناسان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط	سازمان جهاد کشاورزی استان	۵ نفر	اساتید دانشگاه	دانشگاه تبریز	٤ نفر
	ادارهٔ جهاد کشاورزی شهرستان	٤ نفر		دانشگاه آزاد اسلامی	۳ نفر
	سازمان صنعت، معدن و تجارت	۳ نفر	مدیران واحدهای تولیدی شهرستان		۹ نفر
	ادارهٔ صنعت، معدن و تجارت	٤ نفر	کارآفرینان شهرستان شبستر		٤ نفر
	شرکت شهرک‌های صنعتی استان	۳ نفر	کشاورزان نمونه شهرستان شبستر		٤ نفر

تحلیل داده‌ها با فرآیندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسهٔ داده‌ها صورت گرفت. فن اصلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش کدگذاری بود که طی فرآیندی سه مرحله‌ای شامل: ۱. کدگذاری باز، ۲. کدگذاری محوری و ۳. کدگذاری انتخابی صورت گرفت. در این فرآیند سه‌مرحله‌ای و غیرخطی، ابتدا داده‌های جمع‌آوری‌شده طبقه‌بندی و به هر طبقه عنوان مناسب داده می‌شود و سپس از دل آن‌ها مفاهیم و مقولات استخراج و از این رهگذر

1. Theoretical Saturation

خوشه‌های مفهومی تشکیل می‌شود که هر یک به مقولاتی تعلق دارند و سرانجام از ارتباط این مقولات است که شالوده‌ای سامان می‌یابد و مدل مورد نظر برای توضیح یک پدیده خلق می‌شود.

۳. ۲. محدودهٔ مطالعه‌شده

منطقهٔ مطالعه‌شده، شهرستان شبستر از شهرستان‌های استان آذربایجان‌شرقی است. از نظر مختصات جغرافیایی در عرض شمالی ۴۳´ ۳۷° تا ۲٤´ ۳۸° و در طول شرقی ۵´ ٤۵° تا ۱۹´ ٤٦° قرار گرفته است (شکل ۱). این شهرستان به مرکزیت شهر شبستر در غرب استان واقع شده و از سمت شمال با شهرستان مرند و سلسله ارتفاعات میشو، از شرق با شهرستان تبریز، از شمال شرق با شهرستان ورزقان، از غرب با دریاچه ارومیه و شهرستان سلماس، از شمال غرب با شهرستان خوی و از سمت جنوب با شهرستان اسکو همجوار است. شهرستان شبستر با وسعتی معادل ۲٦۲۹/٦۹ کیلومتر مربع ۵/۷۸ درصد از کل مساحت استان را به خود اختصاص داده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۵، ص. ۳٦٦).

جدول ۲- وضعیت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی شهرستان شبستر

مأخذ: سازمان جهاد کشاورزی و سازمان صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹٦

نوع صنایع تبدیلی و تکمیلی	تعداد واحد		ظرفیت تولید به تن		اشتغال به نفر		دارای مجوز	
	فعال	غیر فعال	اسمی	عملی	اسمی	عملی	صنعت	جهاد
بسته‌بندی خشکبار	۵	۰	۵٦۰۰	۳۷۹۰	٦۳	۳۸	۳	۲
بسته‌بندی عسل	۲	۰	۷۵۰	۵۳۰	۱۹	۱۵	۱	۱
صنایع غذایی و کنسرو	٤	۰	۱۰۰۰۰	۷۲۲۵	۷۵	۳۷	۳	۱
تولید سوسیس و همبرگر	٤	۱	۱۹۹۳۳	۲٦۷۵	۷٦	۲٤	۳	۲
رب گوجه‌فرنگی	٦	۰	۷۲۱۸	٤۲۰۹	۱۱۳	٦۷	۳	۳
لواشک، آلوچه و پوره	۳۱	۱	۱۳۸۷۵	۱۲۰۰۰	۳٤٤	۲۸۸	۲٤	۸
صنعت ماکارونی	٤	۰	۱۲۹۰۰	۷۷٤۰	۱٤۵	۸۷	٤	۰
آردسازی	۱	۰	۳۰۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۲۰	۷۵	۱	۰
فرآورده‌های لبنی	۳	۱	۸٦۷٦	۵۷۰۰	۲٤۲	۱۱۷	۲	۲
کیک، کلوچه و بیسکویت	۱۲	۰	۱۲۷۰۰	۷٦۲۰	٤۲۷	٤۲۷	۱۲	۰
شکلات، آبنبات و پودر	۲٤	۰	۸۲۲۵	۸۲۲۵	۳٤۱	۳٤۱	۲٤	۰
چیپس سیب‌زمینی	۱	۰	٦۰۰	۳۰۰	۳۰	۱۸	۱	۰

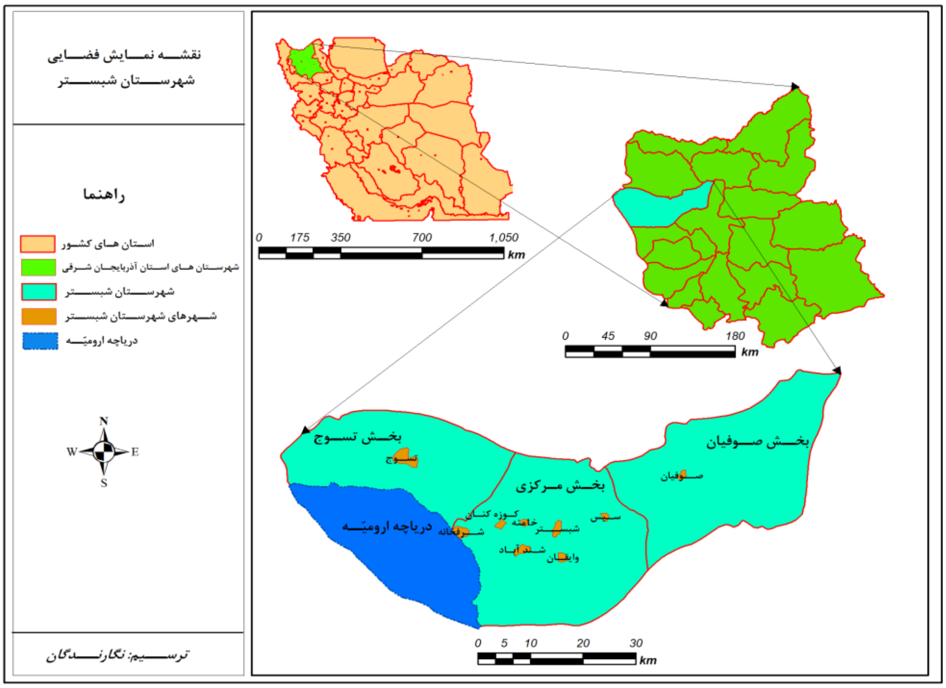
ادامه جدول ۲

نوع صنایع تبدیلی و تکمیلی	تعداد واحد		ظرفیت تولید به تن		اشتغال به نفر		دارای مجوز	
	فعال	غیر فعال	اسمی	عملی	اسمی	عملی	صنعت	جهاد
تولید آبمیوه از	٤	۰	۲۷۰۰۰	۱۱۱۰۰	۳۵۱	۱۵۰	٤	۰
تولید قند	۲	۰	۱۰۰۰۰	٤۰۰۰	۱۸	۱۵	۲	۰
سردخانه	٤	۲	۲٤۰۰۰	۱۲۰۰۰	٤٦	۲٤	۲	٤
جمع	۱۰۷	۵	٤٦۱٤۷	۲٦۷۱۱	۲٤۱۰	۱۷۲۳	۸۹	۲۳

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، شهرستان شبستر دارای ۳ بخش، ۹ شهر و ۸ دهستان است. جمعیت کل شهرستان طبق آخرین سرشماری۱۳۹۵، جمعاً ۱۳۵٤۲۱ نفر بوده است که ۵۲/٤ درصد (۷۰۹٦۹ نفر) آن را جمعیت شهری و ٤۷/٦ درصد (٦٤٤۵۲ نفر) آن را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد (سازمان برنامه و بودجهٔ استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹٦، ص. ۱٦). همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، ظرفیت‌های بالای کشاورزی در شهرستان شبستر، بستر و زمینهٔ مناسبی برای ایجاد و توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی دارد.

طبق آمار سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان‌شرقی، سالانه بیش از ۲٦۷٤۳۲ تن محصولات کشاورزی در سطح شهرستان شبستر تولید می‌شود که بسیار بیشتر از مصرف داخلی آن است، این امر لزوم توجه به صنایع تبدیلی و تکمیلی را در این شهرستان نشان می‌دهد. با استناد به آمار سال ۱۳۹٦ سازمان جهاد کشاورزی و سازمان صنعت، معدن و تجارت استان آذربایجان‌شرقی، شهرستان شبستر دارای ۱۱۲ واحد صنایع تبدیلی و تکمیلی است که ۱۰۷ واحد آن فعال و ۵ واحد آن غیر فعال است. صنایع فعال موجود شهرستان با ظرفیّت اسمی ٤٦۱٤۷۷ تن و ظرفیّت عملی ۲٦۷۱۱٤ تن فعالیّت می‌کنند.

ظرفیّت اشتغال اسمی و اشتغال عملی آن‌ها نیز به ترتیب برابر با ۲٤۱۰ نفر و ۱۷۲۳ نفر است. به دلیل وجود برخی چالش‌ها و موانع، واحدهای تولیدی شهرستان تنها از ٦۰–۵۰ درصد ظرفیت تولید استفاده می‌کنند (جدول ۲).



شکل ۱- نقشهٔ موقعیت جغرافیایی شهرستان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

٤. یافته‌های تحقیق

٤. ۱. کدگذاری باز

در گام نخست تحلیل اطلاعات، پس از به کارگیری مطالب جمع‌آوری‌شده از طریق مصاحبه، کدگذاری باز صورت گرفت. طی کدگذاری باز، مطالب سطر به سطر و عبارت به عبارت چندین بار مرور و مفاهیم اصلی استخراج شدند. با مرتب کردن مفاهیم به دست آمده، موارد مشابه و مشترک در قالب یک مقولهٔ واحد قرار گرفتند، سپس انبوه داده‌ها به تعداد مشخص و محدودی از مفاهیم تقلیل یافت. حاصل این مرحله شناسایی ۸۸ مفهوم کلیدی در زمینهٔ چالش‌ها و مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر بود. از طریق فهرست کردن مفاهیم استخراج‌شده از داده‌ها و ماهیت آن‌ها، به هر کدام از مقوله‌ها کدهایی با علامت A، E و M نسبت داده شد (جدول ۳) که به ترتیب مربوط به دیدگاه کشاورزان نمونه، دیدگاه کارشناسان (تجربی و نظری) و دیدگاه مدیران واحدهای تولیدی و کارآفرینان است.

جدول ۳- مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش(کدگذاری باز و کدگذاری محوری)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

ردیف	کدگذاری باز: مفاهیم استخراج شده از داده‌ها	کد مورد نظر*	فراوانی	تعداد ارجاعات	مقوله‌ها
۱	موازی‌کاری و چندگانه بودن تولی‌گری در بخش صنایع کشاورزی	E1, M1	۲۹	٤۸	قوانین و مقررات
۲	جایگاه نامشخص صنایع کشاورزی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در قوانین بخش صنعت کشور	E2, M2	۲۷	۳۷	
۳	طولانی بودن فرآیند اعطای پروانه‌های تأسیس و بهره-برداری به صاحبان صنایع تبدیلی و تکمیلی	E3, M3	۲۸	٤۲	
٤	وجود مداخلات غیرسازندهٔ برنامه‌ریزان در صنایع کشاورزی	M4	۱۱	۱٤	
٥	اعمال برخی محدودیت‌های قانونی در واگذاری زمین به صنایع تبدیلی و تکمیلی	E4, M5	۱۹	۲۲	
٦	انعطاف‌ناپذیری قوانین و مقررات	E5, M6	۲٥	۳۱	
۷	عدم شفافیّت در ضوابط و مقرّرات این بخش	M7	۱۰	۱۲	
۸	وجود موانع قانونی در زمینهٔ صادرات تولیدات صنایع کشاورزی شهرستان	E6, M8	۱۷	۱۹	
	جمع		۱٦٦	۲۲٥	
۹	ضعف زیرساخت‌ها در شهرک‌های صنعتی	M9	۱۳	۱۹	زیرساختی و فناوری
۱۰	ضعف فناوری واحدهای فرآوری	E7, M10	۲۷	٤۷	
۱۱	ضعف در شبکه‌های توزیع و حمل و نقل محصولات تولیدی	E8	۱۲	۱٥	
۱۲	مکان‌یابی نامناسب صنایع تبدیلی و تکمیلی	A1, E9	۲٦	٤۳	
۱۳	ضعف مکانیزاسیون	E10, M11	۱۸	۲۳	
۱٤	تحریم کشور و عدم دسترسی به برخی قطعات دستگاه‌های تولیدی صنایع	E11, M12	۲٦	٤٤	
۱٥	عدم تمایل صاحبان صنایع به استفاده از انرژی‌های نو	E12	۱۷	۱۸	
۱٦	دسترسی محدود به مواد اولیهٔ کشاورزی در زمان مناسب	A2, M13	۱۳	۱۷	

ادامه جدول ۳

ردیف	کدگذاری باز: مفاهیم استخراج شده از داده‌ها	کد مورد نظر*	فراوانی	تعداد ارجاعات	مقوله‌ها
۱۷	ناکافی بودن آمار و اطلاعات صنایع تبدیلی و تکمیلی	E13	۲۲	۲۵	
	جمع		۱۷٤	۲۵۱	
۱۸	ضعف در سیاست‌های حمایتی دولت	A3, E14, M14	۳۵	۵۳	نهادی-اداری
۱۹	بوروکراسی اداری در صدور پروانه‌ها	A4,E15, M15	۳٤	٤۵	
۲۰	نبود برنامه‌ریزی راهبردی در این صنعت	E16	۲۳	۲۵	
۲۱	ضعف در تدوین برنامه‌های اجرایی و عملیاتی	E17, M16	۳۰	۳۹	
۲۲	نبود آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های کارآمد و جامع	E18,M17	۱۹	۲۸	
۲۳	تعدد و نبود انسجام و هماهنگی میان سازمان‌های متولی صنایع	E19, M18	۳۵	٤۹	
۲٤	ضعف نظارتی مؤسسهٔ استاندارد و کنترل کیفی	E20, M19	۳۳	٤۲	
۲۵	عدم مشارکت عاملان اقتصادی و کارفرمایان به‌عنوان محرک در فرآیند برنامه‌ریزی صنایع تبدیلی و تکمیلی	E21, M20	۲۱	۲۷	
۲٦	پایین بودن تجربهٔ فنی کارشناسان مرتبط در صدور مجوزها	M21	۱۰	۱۸	
۲۷	ضعف حمایت سازمانی از کارآفرینی	E22, M22	۲٦	۳۱	
۲۸	عدم تمایل به تولید محصولات ارگانیک از سوی کشاورزان	E23	۱٤	۱٤	
۲۹	پیوند ضعیف صنعت و کشاورزی	A5, E24, M23	۳۲	۳٦	
۳۰	نبود انعطاف در سیستم اداری	A6, M24	۱۵	۱۹	
۳۱	ضعف در نوآوری، تحقیق و توسعه	E25	۲٤	۳۷	
	جمع		۳۵۱	٤٦۳	
۳۲	وجود سیستم مدیریت سنتی در صنایع کشاورزی...	E26	۲۲	۲۹	مدیریتی و کارآفرینی
۳۳	ضعف مدیریت و پشتیبانی یکپارچه از صنایع...	M25	۱۱	۱۱	
۳٤	ارتباط ضعیف بین مراکز دانشگاهی و مدیریت صنایع ...	E27	۱۷	۲٦	
۳۵	کم‌توجهی مدیران به مطالعات امکان‌سنجی و پتانسیل...	E28	۲۳	۳۵	
۳٦	کم‌توجهی مدیران واحدهای فرآوری به بازاریابی	E29	۲٤	۲٦	

ادامه جدول ۳

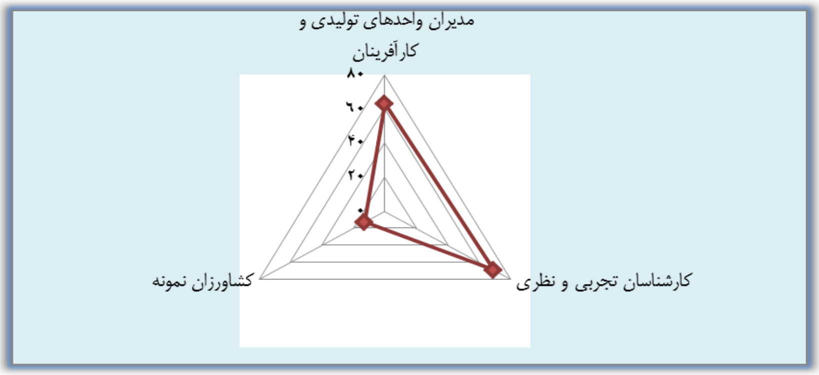
ردیف	کدگذاری باز: مفاهیم استخراج شده از داده‌ها	کد مورد نظر*	فراوانی	تعداد ارجاعات	مقوله‌ها ی
۳۷	ضعف دانش فنی و مهارتی مدیران واحدهای فرآوری	E30	۲۵	٤١	
۳۸	ضعف دیدگاه آینده‌نگری در مدیران صنایع کشاورزی	E31	۲۵	۳۹	
۳۹	نبود خلاقیّت و نوآوری در فرآیند تولید	E32	۲۳	۳٤	
٤۰	عدم حمایت مدیر از کارآفرینان	E33	۲٤	۲۷	
٤١	کارآفرینی ناسازگار و تقلیدی نامناسب	E34	۲۵	۳۷	
٤۲	حمایت کم از گروه‌های حامی این صنایع	M26	۱۲	۱۵	
٤۳	عدم فعالیّت بخش ترویج جهاد کشاورزی در آگاهی ...	M27	۱۰	۱۷	
٤٤	اعتقاد به کشاورزی سنتی و معیشتی	A7, E35, M28	۱٦	۱٦	
	جمع		۲۵۷	۳۵۳	
٤۵	عدم هماهنگی بین بانک عامل و دستگاه‌های اجرایی	M29	۱۲	۱٦	اقتصادی - مالی
٤٦	عدم تمایل بانک‌ها در اعطای تسهیلات کم‌بهره و ...	E36, M30	۲۷	۳۸	
٤۷	نادیده انگاشتن بخش تولید در قانون هدفمندی یارانه	E37, M31	۱۸	۲۷	
٤۸	ریسک‌پذیر بودن سرمایه‌گذاری در صنایع فرآوری ...	M32	۵	۷	
٤۹	کمبود سرمایه‌گذاران توانمند در شهرستان	A8	۲	۳	
۵۰	بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی و کوتاه بودن ...	E38, M33	۳۳	۵٤	
۵۱	زمان‌بر بودن و عدم ارائهٔ به‌موقع تسهیلات بانکی	M34	۱۲	۱۷	
۵۲	بالا بودن هزینهٔ انرژی‌های مصرفی در صنایع...	M35	۱۱	۱۳	
۵۳	بالا بودن پرداخت مالیات واحدهای صنعتی	M36	۱۳	۱٦	
۵٤	افزایش قیمت تمام‌شدهٔ فرآورده‌های صنایع تبدیلی	E39,M37	۳۲	٤۹	
۵۵	تحریم‌های اقتصادی، کمبود نقدینگی و عدم تأمین...	E40,M38	۲۹	٤٤	
۵٦	وجود واسطه‌های اقتصادی به جای سرمایه‌گذار...	E41, M39	۱۰	۱۱	
۵۷	بالا بودن قیمت زمین در شهرک‌های صنعتی	M40	۸	۸	
۵۸	پیامدهای هدفمند کردن یارانه‌ها	E42, M41	۳۲	۵۱	
۵۹	نوسان قیمت نهاده‌های تولید	E43, M42	۳۳	۵۳	
٦۰	نبود فضای رقابتی برابر	M43	۹	۱۲	
	جمع		۲۸٦	٤۱۹	

ادامهٔ جدول۳

ردیف	کدگذاری باز: مفاهیم استخراج شده از داده‌ها	کد مورد نظر*	فراوانی منبع**	تعداد ارجاعات***	مقوله‌ها ی
٦١	انطباق نداشتن آموزش‌های رسمی کارکنان با نیازها...	E44,M44	۳۳	٥۳	آموزش و نیروی انسانی
٦۲	هزینه نکردن صاحبان صنایع کشاورزی برای آموزش...	E45	۲۱	۲۹	
٦۳	کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآزموده در صنایع	E46, M45	۳۲	٥۱	
٦٤	پایین بودن بهره‌وری نیروی کار شاغل در صنایع ...	E47, M46	۳۱	٥۰	
٦٥	عدم وجود انگیزه در ماندگاری نیروهای متخصص...	E48, M47	۱۹	۱۹	
٦٦	ضعف قوانین مرتبط با نیروی کار	E49, M48	۲۱	۳٤	
٦۷	عدم پرداخت به موقع حقوق کارکنان	E50	۱۷	۲٦	
٦۸	عدم وجود مراکز آموزشی تربیت مدیران صنایع	E51	۱۳	۱۸	
٦۹	عدم فرهنگ‌سازی در استفاده و مصرف تولیدات ...	A9, E52, M49	۲۷	۲۹	
۷۰	ضعف آموزش‌های ترویجی	A10,E53, M50	۳۲	٥۳	
۷۱	آگاهی پایین کشاورزان نسبت به روش‌های تبدیل و ...	A11,E54, M51	۱۸	۲٥	
۷۲	ضعف فرهنگ کاری کارگران	M52	۱۱	۱٤	
	جمع		۲۷٥	٤۰۱	
۷۳	حجم کم مبادلات تجاری تولیدات صنایع مکمل با...	E55,M53	۲۳	۳٥	سیستم بازار
۷٤	پیوند ضعیف صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان با...	E56,M54	۲۱	۲٦	
۷٥	نبود بازار هدف مشخص صنایع کشاورزی شهرستان...	E57	۲٦	٥۰	
۷٦	صادرات ضعیف	E58,M55	۲٥	٤۹	
۷۷	نبود اتحادیه‌های فعال در بحث بازاریابی محصولات ...	E59,M56	۳۱	٥۰	
۷۸	اگاهی کم در مورد اهمیّت برندسازی محصولات...	E60	۲٤	۳٦	
۷۹	نبود سیاست‌های تضمینی محصولات کشاورزی	A12,E61	۲۸	٤۳	
۸۰	وجود واسطه‌های مانع در امر تسهیل فرآوری تا ...	M57	۱۰	۱٤	
۸۱	تأمین ناکافی محصول توسط کشاورزان برای صنایع...	A13,E62, M58	۱۸	۱۸	
۸۲	عدم ثبات قیمت در بازار	E63,M59	۳۳	٥۳	
۸۳	خرید نقدی نهاده‌های تولید و فروش نسیهٔ تولیدات ...	E64,M60	۳٥	٥٥	
۸٤	نبود قیمت‌گذاری واقعی فرآورده‌های تولیدی صنایع...	E65,M61	۳۲	٥۱	

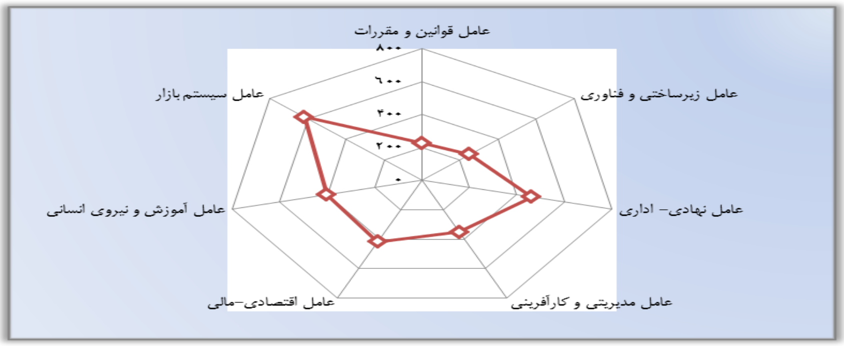
ادامه جدول ۳

ردیف	کدگذاری باز: مفاهیم استخراج شده از داده‌ها	کد مورد نظر*	فراوانی منبع**	تعداد ارجاعات***	مقوله‌ها ی
۸۵	عدم تعریف واسطه‌های فعّال در صنایع کشاورزی	E66,M62	۱۴	۱۵	
۸۶	ضعف بازاریابی و بازاررسانی	E67	۲۶	۴۹	
۸۷	اطلاع‌رسانی محدود و تبلیغات ضعیف	E68	۲۵	۴۶	
۸۸	اعتقاد کم مردم به کیفیّت و سلامت محصولات صنایع	E69,M63	۲۸	۲۸	
	جمع		۳۹۹	۶۱۸	
	* مدیران واحدهای تولیدی و کارآفرینان =A کشاورزان نمونه=E کارشناسان تجربی و نظری =M **تعدادمصاحبه شونده ***تعدادکل اشاره به موضوع		۱۹۰۸	۲۷۳۰	مجموع



شکل ۲- نمودار تعداد مفاهیم استخراجی نمونه‌های مطالعه‌شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۳- نمودار فراوانی کدهای ارجاعی به مفاهیم مقوله‌های محوری از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

٤. ۲. کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به صورت یک شبکهٔ مرتبط با هم قرار دارند. یافتن کدهای مشترک و مقوله‌بندی محوری، مستلزم مقایسهٔ دائمی داده‌ها است (افراخته، آرمند و اطهری، ۱۳۹۵، ص. ۹۳)، به این منظور در این مرحله، داده‌های کدگذاری‌شده با یکدیگر مقایسه شدند و موارد مشابه حول محور مشترکی قرار گرفتند و خوشه‌هایی با مفاهیم جدید تشکیل دادند تا بعد از کدگذاری نیز پیوند بین مقوله‌ها مشخص شود.

با توجه به نتایج حاصل از بحث گروهای کانونی متمرکز با جامعهٔ هدف و استنتاج مفاهیم استخراج‌شده از کدگذاری باز، در مرحلهٔ کدگذاری محوری مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر در ۷ عامل کلی طبقه‌بندی شد. بر این اساس، طبق داده‌های جدول ۲، عامل سیستم بازار با ۳۹۹ فراوانی منبع و ۵۹۵ کد ارجاعی بیشترین سهم و عامل قوانین و مقررات نیز با ١٦٦ فراوانی منبع و ۲۲۵ کد ارجاعی نقش کمتری در بین چالش‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر داشته است. در زیر با مرور نمونه‌هایی از خط داستان، به تشریح هر یک از عامل‌ها پرداخته می‌شود.

– عامل قوانین و مقررات: یکی از مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر، مشکلات حقوقی و قانونی است. این عامل با داشتن ۸ مفهوم ١٦٦ فراوانی و ۲۲۵ کد ارجاعی را به خود اختصاص داده است. بر اساس یافته‌های جدول ۲، مفهوم موازی‌کاری و چندگانه بودن تولی‌گری در بخش صنایع کشاورزی از سوی ۲۹ نفر از مصاحبه شونده‌ها، ٤۸ بار تأکید شده است. طولانی بودن فرآیند اعطای پروانه‌های تأسیس و بهره‌برداری به صاحبان صنایع تبدیلی و تکمیلی با ۲۸ فراوانی و تعداد ارجاعات ٤۲، کد مفهومی دیگر این عامل است که بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است.

– عامل زیرساختی و فناوری: موانع زیرساختی و فناوری از چالش‌های مهم دیگری است که ضعف در این عامل موجب بروز و شکل‌گیری مشکلات دیگر صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌شود. این عامل ۹ مفهوم را در خود جای داده است که دارای ۱۷٤ فراوانی و ۲۵۱ کد ارجاعی است (جدول ۲). مفهوم ضعف فناوری واحدهای فرآوری با ۲۷ فراوانی و مفاهیم تحریم کشور و عدم دسترسی به برخی قطعات دستگاه‌های تولیدی صنایع و مکان‌یابی

نامناسب صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان از حیث عوامل جغرافیایی و زیرساختی هر کدام با ۲٦ فراوانی، بالاترین تعداد ارجاعات را به دست آوردند (به ترتیب با ٤٧، ٤٤ و ٤٣ مورد ارجاع).

– عامل نهادی–اداری: عامل نهادی–اداری از چالش‌های بنیادی است که بعد از عامل سیستم بازار بیشترین سهم را در چالش‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان دارد، این عامل با ١٤ مفهوم دارای ۳۵۱ تعداد فراوانی و ٤٦۳ تعداد ارجاعات است. مفاهیم ضعف در سیاست‌های حمایتی دولت و تعدد و نبود انسجام و هماهنگی میان سازمان‌های متولی صنایع کشاورزی هر کدام با ۳۵ فراوانی بالاترین تعداد ارجاعات را به خود اختصاص داده‌اند (به ترتیب با ۵۳ و ٤۹ مورد ارجاع). بوروکراسی اداری در صدور پروانه‌ها مفهوم دیگری است که از سوی ۳٤ نفر از مصاحبه‌شونده‌ها ٤۵ بار تأکید شده است. مفهوم ضعف نظارتی مؤسسهٔ استاندارد و کنترل کیفی نیز با ۳۳ فراوانی و ٤۲ مورد ارجاع از مفاهیم اثرگذار در عامل نهادی– اداری است.

– عامل مدیریتی و کارآفرینی: این عامل با ۱۳ مفهوم، ۲۵۷ فراوانی و ۳۵۳ مورد ارجاع از مشکلات پیش‌روی صنایع تبدیلی و تکمیلی است. طبق یافته‌های جدول ۲، بیشترین فروانی در این عامل مربوط به مفاهیم ضعف دانش فنی و مهارتی مدیران در واحدهای فرآوری، ضعف دیدگاه آینده‌نگری در مدیران صنایع کشاورزی و کارآفرینی ناسازگار و تقلیدی نامناسب هر کدام با ۲۵ فراوانی به ترتیب با ٤۱، ۳۹ و ۳۷ مورد، بالاترین تعداد ارجاعات را به دست آوردند.

– عامل اقتصادی و مالی: این عامل ١٦ مفهوم را در خود جای داده و با ۲۸٦ فراوانی و ٤۱۹ تعداد ارجاعات، سومین چالش پیش روی صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان محسوب می‌شود. طبق یافته‌های جدول ۲، مفاهیم بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی و کوتاه بودن زمان بازپرداخت، نوسان قیمت نهاده‌های تولید، پیامدهای هدفمند کردن یارانه‌ها و افزایش قیمت تمام‌شده فرآورده‌های صنایع تبدیلی به ترتیب با ۳۳، ۳۳، ۳۲ و ۳۲ فراوانی دارای بیشترین فراوانی و به ترتیب با ٥٤، ۵۳، ۵۱ و ٤۹ مورد ارجاع بالاترین تعداد ارجاعات را به خود اختصاص دادند. اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از یک سو و تحریم‌های اقتصادی از سوی

دیگر، قیمت نهاده‌های تولید را افزایش داده و ضربهٔ جبران‌ناپذیری به تولیدکنندگان وارد کـرده است.

– عامل آموزش و نیروی انسانی: این عامل ۱۲ مفهوم را در خود جای داده است که دارای ۲۷۵ فراوانی و ٤۰۱ کد ارجاعی است (جدول ۲). در این عامل بیشـترین فراوانـی مربـوط بـه مفاهیم انطباق نداشتن آموزش‌های رسمی کارکنـان بـا نیازهـای واحـدهای تبـدیلی و ضـعف آموزش‌های ترویجی است (به ترتیب با ۳۳ و ۳۲ فراوانی)، از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها این دو مفهوم با ۵۳ بار تأکید، اهمیت یکسانی دارند. همچنین، مفاهیم کمبود نیروی انسانی متخصـص و کارآزموده و پایین بودن بهره‌وری نیروی کار شاغل در صنایع کشاورزی به ترتیـب بـا ۳۲ و ۳۱ فراوانی و با ۵۱ و ۵۰ تعداد ارجاع از موارد بـا اهمیـت در چالش‌هـای آمـوزش و نیـروی انسانی محسوب می‌شوند. آموزش‌های ترویجی در زمینهٔ فرآوری انواع محصولات کشـاورزی بخشی از وظایف سازمان‌های متولی صنایع تبدیلی و تکمیلی است که جای آن در برنامـه‌های آموزشی خالی است. ضعف دولت در ایـن زمینـه سـرانجام چالش‌هـایی را در فرآینـد تولیـد، توزیع و بازار پدید می‌آورد.

– عامل سیستم بازار: منشأ بروز این عامل در چالش‌هـا و عامل‌هـای دیگـر نهفتـه اسـت و ضعف در هر یک از آن‌ها، شدت این چالش را افزایش می‌دهد. بر اساس یافته‌های جـدول ۲، این عامل با ١٦ مفهوم بالاترین فراوانی و تعداد ارجاعات را به خود اختصاص داده (به ترتیـب ۳۹۹ و ٦١٨) که گویای اهمیت این چالش در صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر است. در عامل مذکور، مفهوم خرید نقدی نهاده‌های تولید و فروش نسیه و مدت‌دار تولیدات صـنایع کشاورزی با فروانی ۳۵ و تعداد ارجاعات ۵۵ بیشترین فروانی و بالاترین ارجاعات را به خـود اختصاص داده است. مفهوم عدم ثبات قیمت در بازار کد دیگر این عامل است که با بیشـترین فراوانی (۳۳) و بالاترین تعداد ارجاعات (۵۳) دارای اهمیّت بالایی است. یکی دیگر از کدهایی که بالاترین فراوانی (۳۲) و تعداد ارجاعات (۵۱) را در تنگناهای مرتبط با سیستم بازار به خود اختصاص داده، نبود قیمت‌گـذاری واقعـی فـرآورده‌هـای تولیـدی صـنایع کشـاورزی و عـدم شفافیت قیمت از سوی دولت است. از آن‌جا کـه ایـن قیمت‌هـا جنبـهٔ دسـتوری دارنـد و بـه صورت اجباری تعیین می‌شوند، تعزیرات و سازمان حمایت از مصرف‌کننده بـر آن‌هـا نظـارت

می‌کند. طبق نظر کارشناسان تعزیرات، هر چه وزن فرآورده کمتر باشد قیمت آن پـایین اسـت، در حالی که هزینهٔ تمام‌شدهٔ فرآورده با وزن آن رابطهٔ خطی ندارد. بنابراین، قیمـت تعیـین‌شـده (غیرواقعی) با قیمت تمام‌شدهٔ فرآورده‌ها تناسب ندارد و موجـب متضـرر شـدن کارخانـه‌های فرآوری می‌شود.

٤. ۳. کدگذاری انتخابی

در مرحلهٔ سوم یا همان کدگذاری انتخابی، سعی شد تا بین طبقات تولیـدشـده در مراحـل قبل، به طور نظام‌مند ارتباط منطقی ایجاد شده و با روش پژوهشی اثبات شود. در این مرحلـه، روابط موجود میان طبقات حاصل از مرحلهٔ اول و پدیدهٔ اصلی از طریق یک شرح روایت‌گونه به اثبات رسید.

مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی بـه‌عنـوان یـک پدیـدهٔ اصـلی مشـتمل بـر پدیـده‌های فرعی(خام‌فروشی محصولات کشاورزی، وجود ضایعات محصولات کشـاورزی، پـایین بـودن بهره‌وری، درآمد پایین کشاورزان، ناامیدی و عدم تمایل کشاورزان به ادامهٔ فعالیت کشـاورزی، مکان‌یابی نامناسب صنایع تبدیلی و تکمیلی، حضور کم‌رنگ در بازارهـای ملـی و بین‌المللـی) است. پدیده‌های فرعی پژوهش از کمبود حمایت، خلأهای قـانونی و سیاسـت‌گذاری، ضـعف سیستم اداری، ضعف مدیریتی، ضعف آموزشی و نیروی کار، ضعف سـرمایه‌گذاری و ضـعف بازاریابی منبعث می‌شوند. در صورت حمایت ضعیف دولت از صنایع تبدیلی و تکمیلی، ادامهٔ فعالیت برای واحدهای تولیدی با مشکل مواجه می‌شود. ناکافی بودن سیاست‌ها و حمایت‌های تشویقی لازم و عدم ارائهٔ تسهیلات بانکی مناسب، انگیزهٔ کارآفرینان و سـرمایه‌گذاران را بـرای ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی کاهش می‌دهد. همچنین، صاحبان واحدهای تولیـدی بـه دلیـل کمبود منابع اعتبـاری مـورد نیـاز جهـت سـرمایه در گـردش نمی‌تواننـد از امکانـات موجـود بهره‌برداری بهینه انجام دهند، در نتیجه میزان راندمان و بهره‌وری کاهش می‌یابد.

خلأهای قانونی و سیاست‌گذاری‌ها نظیر شفاف نبودن قوانین مـرتبط بـا صـنایع تبـدیلی و تکمیلی، ابهام در جایگاه این صنایع در برنامه‌های توسعهٔ کشور و فقدان برنامه‌ریزی راهبـردی از موانع عمدهٔ توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی است. این موضوع باعث می‌شود تا نظـام اداری مرتبط با صنایع تبدیلی و تکمیلی با ابهاماتی روبرو شـود. بنـابراین، می‌تـوان گفـت کـه تعـدد

متولیان و تعدد مراکز تصمیم‌گیری به شفاف نبودن قوانین مربوط می‌شود. سیستم اداری غیر منعطف با بوروکراسی اداری و پیچیدگی‌های خاص موانعی را بر سر راه متقاضیان در اعطای مجوز تأسیس و صدور پروانهٔ تولید قرار داده است، این امر علاوه بر این‌که باعث هدر رفت زمان سرمایه‌گذاری و کاهش انگیزهٔ سرمایه‌گذاران برای ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌شود، موجب دلسردی و خستگی سرمایه‌گذاران شده و اآن‌ها را از ادامهٔ کار منصرف می‌کند. در این راستا به جای سرمایه‌گذار واقعی، دلالان و واسطه‌های اقتصادی با رانت‌خواری و پارتی مجوز تأسیس واحد تولیدی را دریافت می‌کنند؛ افرادی که نه سرمایه‌گذار واقعی هستند و نه کارآفرین و نه تخصص دارند، واحد تولیدی را ایجاد می‌کنند. این‌گونه افراد مدیر واحد تولیدی می‌شوند، آن‌ها به جز دانش تجربی و فردی خود، به هیچ دانش و آموزشی اهمیت نمی‌دهند. بنابراین، این نوع مدیران به دلیل این‌که دانش فنی و مهارت عملی ضعیفی دارند، دانش خود را برترین دانش می‌دانند و اعتقادی به آموزش پرسنل ندارند و فضا را برای افراد خلاق و نوآور تنگ می‌کنند. بنابراین، این واحد تولیدی در بازاریابی با مشکلاتی رو به رو می‌شود و به دلیل عدم اطلاع از نظام بازاریابی نوین، تبلیغات و اطلاع‌رسانی ضعیف، عدم شناخت از فضای رقابتی بازار و نداشتن بازار هدف نمی‌توانند عملکرد موفّقی داشته باشند. مدیرانی که تجربه، دانش، تخصص و مهارت کافی ندارند انفعالی عمل کرده و فقط به تولید فکر می‌کنند و هیچ گونه ایده و نوآوری را نمی‌پذیرند. در واقع در این نوع واحدهای تولیدی، «رویکرد بازارمحوری و مشتری‌مداری» جای خود را به «تولیدمحوری» داده است. با اتخاذ چنین رویکردی، کارآفرینی ناسازگار و تقلیدی نامناسب و فعالیت‌های موازی اغلب واحدهای تولیدی را فرا می‌گیرد که در این صورت از اثربخشی و کارآیی برخوردار نبوده و در فضای بازار و کسب و کار جایگاه خود را از دست خواهند داد و در رقابت با رقبای منطقه‌ای شکست خواهند خورد.

٤. ٤. تشریح مدل پارادیمی

با توجه به نتایج به دست آمده از کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، جهت ارائهٔ تئوری از مدل پارادیمی استفاده شد. در مدل پارادیمی شرایط تأثیرگذار روی پدیده یا موضوع مورد بررسی می‌تواند شامل شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر یا تمام این موارد باشد (براون،

استیونز، ترویانو و اشنایدر[1]، ۲۰۰۲، ص. ۷). بر اساس مدل پارادایمی، یک مقولهٔ اصلی از فهرست طبقات (مرحلظ قبل) انتخاب شد و در مرکزیت فرایندگذاری محوری قرار گرفت و بدین ترتیب بر اساس ماهیت طبقات ایجادشده و همچنین روابط نهفته در بین آن‌ها، مدل نهایی شکل یافت (شکل ٤). در این مرحله عناصر تشکیل‌دهندهٔ مدل پارادیمی شهرستان شبستر به شرح زیر بیان می‌شود.

٤. ٤. ١. پدیدهٔ اصلی

در این پژوهش منظور از پدیدهٔ اصلی «مشکلات توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی» بوده و از دو وجه قابل بررسی است. وضعیت نابسامان بخش کشاورزی و ارتباط تنگاتنگ آن با بخش صنعت از یک‌سو و شرایط حاکم بر صنایع تبدیلی و تکمیلی از سوی دیگر سبب شکل‌گیری پدیده‌های فرعی در دل پدیدهٔ اصلی شده است.

٤. ٤. ٢. زمینه

منشأ شکل‌گیری پدیدهٔ بررسی‌شده در عواملی زمینه‌ای نهفته است (شکل ٤). عوامل زمینه‌ای از یک‌سو فعالیت‌های کشاورزی، میزان تولیدات و درآمد کشاورزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان به صورت مستقیم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. وجود عوامل زمینه‌ای سبب می‌شود تا مشکلاتی بر سر راه توسعه و ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان به وجود آید و تحقق اهداف آن را با مشکل مواجه کند.

٤. ٤. ٣. شرایط علّی

شرایط علّی مربوط به پدیدهٔ اصلی «مشکلات توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی» و پدیده‌های فرعی در پژوهش حاضر شامل موارد زیر است.

٤. ٤. ٣. ١. مشکلات حمایتی

مشکلات حمایتی به‌عنوان یکی از علل اصلی چالش صنایع تبدیلی و تکمیلی، از یک سو بر بهره‌برداران کشاورزی و فعالیت‌های کشاورزی تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و صاحبان کارخانه‌ها و مدیران واحدهای تولیدی را تهدید می‌کند. کمبود اعتبارات دولتی، کمبود تسهیلات بانکی و تخصیص

1. Brown, Stevens, Troiano & Schneider

کم سوبسیدها از جمله مشکلات حمایتی هستند که از بی‌توجهی دولت به صنایع تبدیلی و تکمیلی نشأت گرفته است و موجب بروز مشکلات عدیده‌ای در این بخش از صنعت شده است.

٤. ٤. ۳. ۲. مشکلات قانونی و سیاست‌گذاری

مشکلات قانونی و سیاست‌گذاری شامل خلأهای قانونی، تعدد متولیان و فقدان برنامه‌ریزی راهبردی است. خلأهای قانونی معطوف به شفاف نبودن قوانین مرتبط با صنایع تبدیلی و تکمیلی است. تعدد متولیان صنایع تبدیلی و تکمیلی نیز از علل مهم دیگری است که مشکلات عمده‌ای بر سر راه سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع نهاده است. فقدان برنامه‌ریزی راهبردی معطوف به وجود ابهام در جایگاه صنایع تبدیلی و تکمیلی در برنامه‌های توسعهٔ کشور است.

٤. ٤. ۳. ۳. ضعف سیستم اداری

ضعف سیستم اداری از عوامل اصلی مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی است که مشتمل بر نبود یک مرکز قدرتمند هماهنگ‌کننده در این صنایع، نبود انعطاف در سیستم اداری و بوروکراسی اداری است. این موارد موانعی را در صدور پروانه تولید و اخذ مجوز برای تأسیس و راه‌اندازی صنایع تبدیلی و تکمیلی به وجود می‌آورد. این امر باعث از دست رفتن زمان سرمایه‌گذاری و کاهش انگیزهٔ سرمایه‌گذاران برای ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌شود.

٤. ٤. ۳. ٤. مشکلات مدیریتی

مشکلات مدیریتی شامل عواملی مانند وجود سیستم مدیریت سنتی در صنایع کشاورزی شهرستان، خصوصیات مدیران سازمان، ضعف دانش فنی و مدیریتی مدیران، بی‌توجهی مدیران به مطالعات امکان‌سنجی و پتانسیل‌سنجی و عدم حمایت مدیران از افراد خلاق و نوآور علمی از مشکلات مدیریتی است.

٤. ٤. ۳. ٥. ضعف آموزش و نیروی کار

ضعف آموزش از عوامل اصلی است که همواره صنایع تبدیلی و تکمیلی را تهدید می‌کند. این عامل شامل تحصیلات پایین و غیرمرتبط صاحبان کارخانه‌ها، اعتقاد ضعیف مدیران

واحدهای تولیدی به آموزش، پایین بودن مهارت عملی و ضعف دانش فنی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، کمبود دوره‌های آموزشی برای کارکنان صنایع و ضعف فرهنگ کاری می‌شود.

اعتقاد کم مدیران به مقولهٔ آموزش، مشکل دیگر آموزش است؛ زیرا مدیران دانش خود را برتر از آموزش می‌دانند. این پدیده باعث عدم شرکت کارکنان در دوره‌های آموزشی شده است. این امر موجب ایستایی واحد تولیدی شده و از دانش و فناوری‌های روز دنیا عقب می‌مانند و در رقابت با سایر رقبا موفق نخواهند بود.

٤. ٤. ٣. ٦. ضعف سرمایه‌گذاری

سرمایه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید، اهمیت بسزایی در افزایش سطح تولید صنایع تبدیلی و تکمیلی و در نتیجه افزایش بهره‌وری دارد. ضعف سرمایه‌گذاری از عوامل اصلی و پایه‌ای شکل‌دهندهٔ مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی است. در واقع ریشهٔ اکثر مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی به دلیل کمبود سرمایه و ضعف سرمایه‌گذاری است. علاوه بر آن، صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی دارای ریسک بالایی است. محصولات کشاورزی از یک‌سو و بازاریابی و سوددهی پایین تولیدات کارگاه‌ها از سوی دیگر ریسک‌پذیری صنایع وابسته به کشاورزی را بالا برده است. به همین دلیل، سرمایه‌گذارهای واقعی و توانمند کمتر در این بخش سرمایه‌گذاری می‌کنند.

٤. ٤. ٣. ٧. ضعف بازاریابی

این عامل بازاریابی ضعیف، تبلیغات ضعیف، عدم شفافیت قیمت، تورم بالا و نبود فضای رقابتی برابر را شامل می‌شود. مهم‌ترین عامل در نظام بازاریابی و بازاررسانی تولیدات صنایع تبدیلی و تکمیلی، سیستم اطلاع‌رسانی و تبلیغات است. در این زمینه یکی از کارشناسان ابراز داشت که اغلب صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان، تولیدات خود را متناسب با بازار هدف تولید نمی‌کنند و در خصوص انتخاب بازار هدف و تولید محصول متناسب با ویژگی‌های مناطق مختلف، عملکرد ضعیفی از خود نشان داده‌اند. مدیران واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان در فضای کسب و کار به دلیل عدم رقابتی بودن بازار به جای اتخاذ رویکرد «بازارمحوری و مشتری‌مداری» عموماً رویکرد «تولیدمحوری» را برگزیدند.

٤. ٤. ٤. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر عامل‌ها و کنش‌های مؤثر و با واسطه در پدیده را تشکیل می‌دهند. یک سری عوامل واسطه‌ای وجود دارد که موجب تقویت یا تضعیف پدیده‌ها بوده و به نوعی رابطهٔ بین شرایط علی و پدیده را متعادل می‌کند و یا رابطهٔ بین آن‌ها را تضعیف می‌کند. شرایط مداخله‌گر از دو عامل کلان–ملی و عامل خرد– منطقه‌ای تشکیل شده است. منظور از عامل‌های کلان–ملی، عامل‌های خارج از منطقه و فراگیر در سطح ملی است. در این پژوهش مقوله‌هایی مانند ضعف سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات دولت در زمینهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی، وجود فضای رانت‌خواری، تحریم‌های اقتصادی مرتبط با صنایع، هدفمند کردن یارانه‌ها، نوسان قیمت نهاده‌های تولید، بالا بودن پرداخت مالیات واحدهای تولیدی، بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی و کوتاه بودن زمان پرداخت از جمله مواردی هستند که در سطح ملی به‌عنوان عوامل مداخله‌گر بین پدیده و شرایط علی نقش ایفا می‌کنند. علاوه بر عوامل فرامنطقه‌ای، عوامل خرد در سطح واحدهای تولیدی شهرستان وجود دارد که به‌عنوان عوامل واسطه‌ای بین پدیده و شرایط علی ایفای نقش می‌کنند. برای مثال، می‌توان عدم پرداخت به موقع حقوق کارکنان، آموزش نیروی کار، عدم دسترسی کشاورزان به مشاوره‌های مناسب و کافی، فقدان روحیهٔ نوآوری در مدیران واحدهای تولیدی، ناآشنایی و آگاهی پایین کشاورزان نسبت به صنایع کشاورزی، پایین بودن سطح دانش و مهارت و تجربهٔ کم مدیران و فرسودگی ماشین‌آلات واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی را نام برد.

٤. ٤. ٥. پیامدها

مشکلات برآمده از زمینه و شرایط علّی منجر به پیامدهایی در سطح ملی و منطقه‌ای می‌شود. سست شدن ارزش کار کشاورزی و از بین رفتن فعالیت‌های کشاورزی، تهدید صنایع مرتبط و از بین رفتن محصولات هدف صنایع، هدررفت سرمایه‌های ناشی از غیر فعال شدن کارخانه‌ها، وجود خلأ و فاصله بین محصول و بازار هدف، افزایش روزافزون قیمت تمام‌شدهٔ تولیدات صنایع، عدم دسترسی به تکنولوژی‌های نوین، تهدیدهای محیطی، افزایش واسطه‌گری، افزایش فقر، بیکاری و مهاجرت از آن جمله پیامدهایی هستند که با بروز پدیدهٔ اصلی و پدیده‌های فرعی شکل می‌گیرند. اگر دامنهٔ پیامدها در سطح گسترده و ملی در نظر

گرفته شود باید مواردی همچون تهدید امنیت غـذایی، افـزایش واردات و خـارج شـدن ارز از کشور را نیز به پیامدها اضافه نمود.

٤. ٤. ٦. راهبردها

راهبرد، مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می‌شـوند. بـه منظـور رفع چالش‌ها و مشکلات بـه وجـود آمـده و همچنـین وجـود زمینـه و شـرایط مداخلـه‌گری، راهبردهای متناسب با آن‌ها اتخاذ می‌شود. با وجود پدیدهٔ مشـکلات توسـعهٔ صـنایع تبـدیلی و تکمیلی که خود ریشه در عوامل متعدد دارد، کنشگران به تدابیری برای برخورد با ایـن پدیـده دست می‌زنند (شکل ٤).



شکل ٤- مدل پارادیمی چالش‌های پیش‌روی صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٦

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق بیانگر آن است که صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر با مسائل مختلفی مواجه است که بر عملکرد و میزان موفقیت آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین، به دلیل دامنهٔ گستردهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی، این نوع صنایع بر بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی اثرگذار است. نتایج حاصل از بحث گروه‌های کانونی متمرکز و استنتاج مفاهیم استخراج‌شده از کدگذاری باز، در مرحلهٔ کدگذاری محوری چالش‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر در ۷ عامل محوری (قوانین و مقررات، زیرساختی و فناوری، نهادی–اداری، اقتصادی و مالی، آموزش و نیروی انسانی، مدیریتی و کارآفرینی و سیستم بازار) طبقه‌بندی شد و نتایج زیر به دست آمد.

عامل سیستم بازار با ۳۹۹ فراوانی منبع و ۵۹۵ کد ارجاعی و عامل قوانین و مقررات با ۱٦٦ فراوانی منبع و ۲۲۵ کد ارجاعی به ترتیب بیشترین و کمترین سهم را در بین چالش‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر داشته است.

مشکلات قانونی و سیاست‌گذاری شامل خلأهای قانونی، تعدد متولیان و فقدان برنامه‌ریزی راهبردی است. خلأهای قانونی معطوف به انعطاف‌ناپذیری و شفاف نبودن قوانین مرتبط با صنایع تبدیلی و تکمیلی است. تعدد متولیان صنایع تبدیلی و تکمیلی نیز از علل مهم دیگری است که مشکلات عمده‌ای بر سر راه سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع نهاده است. فقدان برنامه‌ریزی راهبردی معطوف به وجود ابهام در جایگاه صنایع تبدیلی و تکمیلی در برنامه‌های توسعهٔ کشور است. همچنین، وجود دیدگاه کلی‌نگر به صنایع تبدیلی و تکمیلی بر مشکلات آن افزوده است.

مکان‌یابی نامناسب از عوامل اصلی چالش‌های زیرساختی و فناوری صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان است که از بی‌توجهی مدیران به مطالعات پتانسیل‌سنجی و امکان‌سنجی صنایع نشأت می‌گیرد، ایجاد صنایع مرتبط با مزیت‌های نسبی کشاورزی می‌تواند در توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی تأثیرگذار باشد. نزدیک بودن صنایع به اراضی کشاورزی و دسترسی به منابع و مواد اولیه از معیارهای اصلی ایجاد صنایع است. علاوه بر آن کشاورزان منطقه می‌توانند متناسب با نیاز صنایع موجود شهرستان تولید کنند و برای تولید خود مدیریت داشته

باشند. مدیران واحدهای تولیدی در زمان راه‌اندازی کارخانه نسبت بـه ظرفیت‌هـای شهرسـتان بی‌توجه بوده‌اند و این مسئله موجب شده است که کارخانــه‌های فـرآوری بخـش عمـدهٔ مـواد اولیه را از شهرستان‌های دیگر استان و بعضاً از استان‌های همجوار تأمین کنند.

ضعف دانش فنی و مهارتی و نبود دیدگاه آینده‌نگری مدیران واحـدهای تولیـدی و ایجـاد صنایع ناسازگار و تقلیدی به دلیـل کم‌تـوجهی بـه مطالعـات امکـان‌سـنجی و پتانسـیل‌سـنجی معضـلات عدیـده‌ای از جملـه در تـأمین مـواد اولیـهٔ مـورد نیـاز و همچنـین در بازاریـابی و بازاررسانی ایجاد کرده است.

نداشتن رویکرد آمایشـی و بی‌تـوجهی بـه توان‌هـا و ظرفیت‌هـای منطقـه و عـدم تناسـب واحدهای تولیدی با محصولات کشاورزی شهرستان، چالش‌های صنایع کشـاورزی را تشـدید کرده است.

تحریم‌های اقتصادی کشور به همراه هدفمند کردن یارانه‌ها از چالش‌های اساسی است کـه صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان را با مشکل مواجه کرده است. این امر بـر قیمـت نهـاده‌هـا، مواد اولیه، افزایش هزینه‌های انرژی، افزایش حقوق کارگران و عدم تأمین قطعات یدکی مـورد نیاز واحدهای تولیدی تأثیر گذاشته است.

عدم ثبات قیمت در بازار و افزایش قیمت تمام‌شده فرآورده‌های صنایع تبـدیلی و تکمیلـی از چالش‌های مهم دیگری است که به طور مستقیم از هدفمند کردن یارانـه‌ها و نوسـان قیمـت نهاده‌های تولید و به طور غیرمستقیم از تحریم‌های اقتصادی تأثیر پذیرفته است.

مشکلات حمایتی به‌عنوان یکی از علل بروز چالش صنایع تبدیلی و تکمیلـی، از یـک سـو فعالیت‌های کشاورزی و از سوی دیگر صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان را تحت تـأثیر قـرار می‌دهد. کمبود اعتبارات دولتی، کمبود تسهیلات بانکی، بالا بودن نرخ سود تسهیلات بـانکی و کوتاه بودن زمان بازپرداخت تخصیص کم سوبسیدها و اخذ مالیات سنگین از جمله مشـکلاتی حمایتی هستند که از بی‌توجهی دولت بـه صـنایع تبـدیلی و تکمیلـی نشـأت گرفتـه اسـت و موجب بروز مشکلات عدیده‌ای در این بخش از صنعت شده است.

ضعف در آموزش و ترویج و کمبود نیروی انسانی متخصص از مشکلات دیگر واحـدهای تولیدی شهرستان است. انطباق نداشتن آموزش‌های رسمی دانشـگاه‌ها بـا نیازهـای واحـدهای

تولیدی سبب شده است دانش‌آموختگان دانشگاهی فاقد مهارت لازم بوده و از اثربخشی و کارآیی کافی برخوردار نباشند. همچنین، نبود خلاقیت و نوآوری در فرآیند تولید و عدم حمایت مدیران از کارآفرینان نقش مهمی در بروز مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی داشته است.

واحدهای فرآوری شهرستان در خصوص انتخاب بازار هدف و تولید محصول متناسب با نیاز و ویژگی‌های مناطق مختلف و همچنین اطلاع‌رسانی و تبلیغات، عملکرد ضعیفی از خود نشان داده‌اند. مدیران در فضای کسب و کار به دلیل عدم رقابتی بودن بازار به جای اتخاذ رویکرد «بازارمحوری و مشتری‌مداری» عموماً رویکرد «تولیدمحوری» را برگزیدند. فشار تحریم‌های اقتصادی و وجود برخی موانع قانونی در زمینهٔ صادرات سبب شده است، تولیدکنندگان به بازارهای داخلی بیشتر توجه کنند.

هم‌سویی یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های نویسندگان مرتبط در قالب جدول مقایسه‌ای زیر آمده است:

جدول ٤- مقایسهٔ یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٦

مقوله محوری	نویسندگان مرتبط/ نظریه‌های مرتبط	نقاط مشترک با یافته‌های مرتبط
قوانین و مقررات	رادفر و تیموری (۱۳۸۹)	نامشخص بودن جایگاه صنایع کشاورزی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها،
	احمدیان، قنبری، اصلانی سنگده و عزیزی (۱۳۸۹)	اعمال محدودیت قانونی در واگذاری زمین
	رحمانی(۱۳۸۵)	موانع قانونی در زمینه صادرات
	کلانتری، رهنما و موحد محمدی (۱۳۸۹)، احمدیان، قنبری، اصلانی سنگده و عزیزی (۱۳۸۹)	عدم شفافیّت ضوابط و مقررات صنایع تبدیلی و تکمیلی،
زیرساختی و فناوری	انوو و اکینه(۲۰۰۹)، حاتمی‌فرد(۱۳۹۰)، مرادی، آگهی، زرافشانی و پاپ‌زن (۱۳۹٤)	عدم تأمین تجهیزات موردنیاز و ضعف زیرساخت‌ها در شهرک‌های صنعتی، مکان‌یابی نامناسب واحدهای تولیدی،
	اباذری و حسینی‌یکانی(۱۳۹۳)	ضعف فناوری واحدهای فرآوری،
	احمدیان، قنبری، اصلانی سنگده و عزیزی(۱۳۸۹)	ضعف مکانیزاسیون

ادامهٔ جدول ٤

مقوله محوری	نویسندگان مرتبط/ نظریه‌های مرتبط	نقاط مشترک با یافته‌های مرتبط
نهادی-اداری	کلانتری، رهنما و موحد محمدی(۱۳۸۹)، احمدیان، قنبری، اصلانی سنگده و عزیزی(۱۳۸۹)، مرادی، آگهی، زرافشانی و پاپ‌زن (۱۳۹٤)	نبود متولی خاص و فقدان هماهنگی و انسجام
	اسریواستوا (۲۰۰۹)	پیوند ضعیف صنعت و کشاورزی
	مرادی، آگهی، زرافشانی و پاپ‌زن (۱۳۹٤) بزرگمهر و همکاران (۱۳۹۲)	نبود برنامه‌ریزی راهبردی
	مرادی، آگهی، زرافشانی و پاپ‌زن (۱۳۹٤)	وجود بروکراسی اداری در صدور پروانه‌ها
	موهفلد، ویتزل و ویت‌لوستیوج (۲۰۱۱)	آگاهی پایین کشاورزان با روش‌های تبدیل و فرآوری
	رادفر و تیموری (۱۳۸۹)	ضعف تدوین برنامه‌های اجرایی و عملیاتی، ضعف نوآوری، تحقیق و توسعه
	اصغری لفمجانی، بدخش و فرهادی (۱۳۹۱)، انوو و اکینه (۲۰۰۹)	ضعف سیاست‌های حمایتی دولت
	ساندار و سرینیواسان (۲۰۰۹)	ضعف نظارتی مؤسسهٔ استاندارد و کنترل کیفی
مدیریتی و کارآفرینی	ساندار و سرینیواسان (۲۰۰۹)	مدیریت ضعیف و وجود سیستم مدیریت سنتی در صنایع کشاورزی
	مرادی، آگهی، زرافشانی و پاپ‌زن (۱۳۹٤)	ضعف دانش فنی و مهارتی مدیران در واحدهای فرآوری
	رحمانی (۱۳۸۵)	کم‌توجهی مدیران به بازاریابی و عدم شناخت صحیح از بازار
اقتصادی و مالی	انوو و اکینه (احمدیان، قنبری، اصلانی (۲۰۰۹) سنگده و عزیزی (۱۳۸۹)، کلانتری، رهنما و موحد محمدی (۱۳۸۹) و فلاحتی (۱۳۸۹)	نبود تسهیلات بانکی مناسب و بالا بودن سود تسهیلات

ادامه جدول ٤

مقوله محوری	نویسندگان مرتبط/ نظریه‌های مرتبط	نقاط مشترک با یافته‌های مرتبط
اقتصادی و مالی	احمدیان، قنبری، اصلانی سنگده و عزیزی (۱۳۸۹)، حاتمی‌فرد (۱۳۹۰)	عدم تخصیص به‌موقع اعتبارات و تسهیلات
	کلانتری، رهنما و موحد محمدی (۱۳۸۹)، اباذری و حسینی‌یکانی (۱۳۹۳)	نوسان قیمت نهاده‌های تولید
	مرادی، آگهی، زرافشانی و پاپ‌زن (۱۳۹٤)	در تحریم‌های اقتصادی کشور و هدفمندی یارانه‌ها
	فلاحتی (۱۳۸۹)	در نبود فضای رقابتی برابر
	حاتمی‌فرد (۱۳۹۰)	در کمبود نقدینگی و عدم تأمین ارز مورد نیاز
آموزش و نیروی انسانی	مرادی، آگهی، زرافشانی و پاپ‌زن (۱۳۹٤)، حاتمی‌فرد (۱۳۹۰)	کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآزموده در صنایع کشاورزی
	فلاحتی (۱۳۸۹)	پایین بودن بهره‌وری نیروی کار شاغل در صنایع کشاورزی، انطباق نداشتن آموزش‌های رسمی کارکنان با نیازهای واحدهای تبدیلی
سیستم بازار	رحمانی (۱۳۸۵)	نبود بازار هدف مشخص صنایع کشاورزی
	رادفر و تیموری (۱۳۸۹)، کلانتری، رهنما و موحد محمدی (۱۳۸۹) و اباذری و حسینی‌یکانی (۱۳۹۳)	ضعف بازار و بازاریابی
	رحمانی (۱۳۸۵)، اباذری و حسینی‌یکانی (۱۳۹۳)	عرضهٔ ناکافی مواد اولیّه، اطلاع‌رسانی محدود و تبلیغات ضعیف

بدون شک، می‌توان گفت که یکی از مهمترین ملزومات توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی در شهرستان شبستر توجه به موانع توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی است که باید شناسایی، تعدیل ، کنترل و در صورت لزوم حذف شوند و هر گونه کوتاهی در این زمینه فرآیند توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی را در منطقه به تأخیر می‌اندازد.

کتاب‌نامه

۱. اباذری، ع. و حسینی‌یکانی، س. ع. (۱۳۹۳). اولویت‌بندی مکانی استقرار صنایع تبـدیلی و تکمیلـی کشاورزی (مطالعهٔ موردی: استان مازندران). *مجلهٔ تحقیقات اقتصاد و توسعهٔ کشـاورزی ایـران*، *٤٥* (۱)، ۱۸۲–۱۷۵.

۲. احمدیان، م.، قنبری، ی.، اصلانی‌سنگده، ب. و عزیزی، ح. (۱۳۹۲). شناسایی و تحلیل عوامل مـؤثر بر توسعه‌نیافتگی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی (مطالعهٔ موردی: شهرستان مرودشـت). *مجلـهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ٤، ۱۵۲–۱۲۵.

۳. اصغری‌لفجانی، ص.، بدخش، ی. و فرهادی، و. (۱۳۹۱). بررسـی مشـکلات و چالش‌هـای توسـعهٔ صنایع روستایی (مطالعهٔ موردی: روستاهای بخش لنـده، شهرسـتان کهگیلویـه). *مجموعـه مقالـات همایش ملی توسعهٔ روستایی*، شهریور ماه ۱۳۹۱، (صص. ۵۹۹–۵۹۲)، رشـت: انتشـارات دانشـگاه گیلان.

٤. افراخته، ح.، آرمند، م. و اطهری، ز. (۱۳۹۵). واکاوی چالش‌های فرآوری صنعت سفال شهر لالجین با به کارگیری تئوری بنیانی. *مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای*، *١٤* (۱)، (٢٦)، ١١٤–٨٩.

۵. ایزدی، ن. و حیاتی، د. (۱۳۹۲). کاهش ضایعات، رویکرد آیندهٔ ترویج کشاورزی. *فصـل‌نامـهٔ نظـام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، ۳۹، ۳۰–۲۵.

٦. بزرگمهر، ع.، نعمتی، ا. ربانی‌نسب، ح.، یـاوری، ا.، قرآنـی، م. و، حیـدری، م. (۱۳۹۲). راهبردهـای توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی باغی استان خراسان شمالی با اسـتفاده از رویکـرد تحلیـل عوامـل استراتژیک (SWOT). *نشریهٔ اقتصاد و توسعهٔ کشاورزی*، *۲۷* (۲)، ۱۱۳–۱۰۳.

۷. پاپ‌زن، ع.، ح. و شیری، ن. (۱۳۹۱). بررسی موانع و مشکلات توسعهٔ کشاورزی ارگانیـک. *فصـل-نامهٔ اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی*، *۱* (۱)، ١٢٦–۱۱۳.

۸. حاتمی‌فرد، س. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر به بهره‌برداری نرسیدن صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان زنجان. *مجلهٔ تحقیقات اقتصاد و توسعهٔ کشاورزی ایران*، *٤٢-٢*، (۳)، ٤٢١–٤١٣.

۹. رادفر، ر. و تیموری، م. ج. (۱۳۸۹). *بررسی تجـارب کشـورهای منتخـب در صـنایع کشـاورزی و درس‌هایی برای ایران*. تهران: انتشـارات مؤسسـهٔ پژوهش‌هـای برنامـه‌ریزی، اقتصـاد کشـاورزی و توسعهٔ روستایی.

۱۰. رحمانی، م. (۱۳۸۵). بررسی نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات و توسعهٔ صادرات محصولات کشاورزی باغی. *مجلهٔ روند*، ٤٩، ۲۳۰–۲۰۱.

۱۱. سازمان برنامه و بودجهٔ استان آذربایجان‌شرقی. (۱۳۹٦). *چکیده نتایج جمعیتی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ استان آذربایجان شرقی*. سازمان برنامه و بودجهٔ استان آذربایجان‌شرقی، معاونت آمار و اطلاعات- گروه حساب‌های منطقه‌ای.

۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان‌شرقی. (۱۳۹۵). *سند تدبیر توسعهٔ استان آذربایجان‌شرقی (برنامهٔ عملیاتی اقتصاد مقاومتی)*. جلد سوم. اسناد شهرستانی. تبریز: انتشارات اختر.

۱۳. فلاحتی، ع. (۱۳۸۹). *عارضه‌یابی صنایع کوچک تبدیلی استان کرمانشاه*. طرح پژوهشی شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه. کرمانشاه: انتشارات شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه.

۱٤. کلانتری، خ. و لوایی‌آدریانی، ر. (۱۳۹۵). شناسایی و تبیین چالش‌های پیش‌روی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در ایران با استفاده از رویکرد نظریهٔ بنیانی. *مجلهٔ تعاون و کشاورزی*، *۵* (۱۷)، ۵۱-۳۳.

۱٥. کلانتری، خ.، رهنما، ع.، موحدمحمدی، ح. (۱۳۸۹). عوامل پیش‌برنده و بازدارندهٔ ایجاد و توسعهٔ صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی. *فصل‌نامهٔ اقتصاد کشاورزی و توسعه*، *۱۸* (۷۰)، ۱۹-۳۷.

۱٦. مرادی، خ.، آگهی، ح.، زرافشانی، ک. و پاپ‌زن، ع. ح. (۱۳۹٤). تحلیل کیفی چالش‌های فرآوری صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه (کاربرد نرم‌افزار NVivo). *مجلهٔ پژوهش‌های روستایی*، ۷ (۳)، ٥١٤-٤٨۳.

17. Batov, G. (2006). Development of rural industrial enterprise (The example of Kabardino-Balkaria). *Problems of Economic Transition*, *48*(10), 63-69.

18. Brown, S.C., Stevens, R.A., Troiano, P.F., & Schneider, M.K. (2002). Exploring complex phenomena: Grounded theory in student affairs research. *Journal of College Student Development*, *43*(2), 1-11.

19. Fatah, L. (2007). The potentials of agro-industry for growth promotion and equality improvement in Indonesia. *Asian Journal of Agriculture and Development*, *4*(1), 57-74.

20. Kachru, R.P. (2011). *Agro-processing industries in India-growth, status and prospects, Director general (Process engineering).* India Council of Agricultural Research: New Delhi.

21. Mehta, G.S. (2012). *Agro-processing industry in Uttar Pradesh.* New Delhi: Planning Commission Government of India.

22. Muehlfeld, K., Weitzel, U., & Witteloostuijn, A. (2011). Mergers and acquisitions in the global food processing industry in 1986-2006. *Food Policy*, *4*, 466-479.
23. Onu, M.E., & Ekine, D.I. (2009). Critical challenges to small-scale rural business firms: A case study of poultry farm enterprise in Ido LGA, Oyo State. *Asia-Pacific Journal of Rural Development*, *19*(2), 143-166.
24. Sundar, K., & Srinivasan, T. (2009). Rural industrialization: Challenges and proposition. *Journal of Social Science*, *20*(1), 23-29.
25. Williams, C. (2007). Research methods. *Journal of Business and Economic Research*, *5*(3), 65-71.